

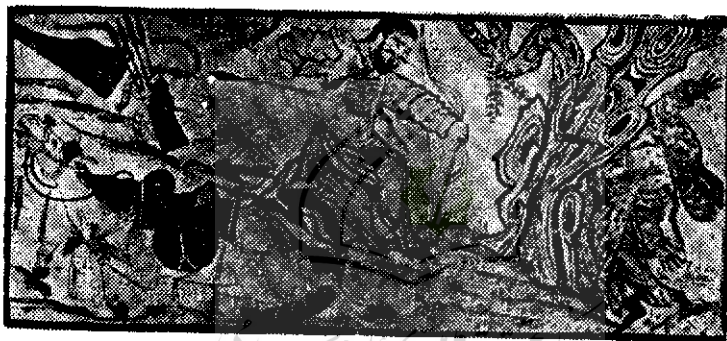
نسخه های مصور جامع التواریخ رشیدی

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۶۴۵-۷۱۸) وزیر غازانخان و اولجايتو و مؤلف کتاب جلیل القدر جامع التواریخ اگر بزرگترین مورخین فارسی زبان نباشد بلاشبهه یکی از اعظم ایشان است. کتاب جامع التواریخ او علاوه بر آنکه در يك قسمت یعنی تاریخ چنگیزخان و اجداد و اولاد او نظیر ندارد و حاوی مطالب و اطلاعاتی است که در هیچیک از منابع دنیا بدست نمی آید اول کتابی است که در تاریخ عمومی عالم تقریباً بسبک و روشی که بعدها در ممالک غربی در تألیف تاریخ عمومی معمول شده برشته نگارش در آمده و رشیدالدین در این کار از کلیه علمای ملل متنوعه از چینی و مغول و هندو و یهود و کشیشان عیسوی اروپائی استمداد کرده و تاریخ کلیه اقوام آسیائی و اروپائی را از روی اطلاعات ایشان و منابع کتبی که بتوسط آن جماعت بفارسی ترجمه شده در جامع التواریخ گنجانده است.

رشیدالدین که خود سردی حکیم و با ذوق و شاعر و خوش خط و هنر دوست بوده علاوه بر کمال دقتی که در جمع آوری اطلاعات ذیقیمت برای تألیف شاهکار جاوید خود بکار میبرده سعی داشته است که این کتاب و سایر تألیفات او بهترین خطوط در روی عالی ترین اقسام کاغذ با تصاویر و جلدهای اعلی ترتیب داده شود و تا او در حیات است هر سال از مجموعه تألیفات او در اداره ای که مخصوصاً برای این کار تأسیس کرده بود نسخه های متعدد بدست قابلترین و ماهرترین استادان فن بدو زبان فارسی و عربی مهیا و با نسخه اصل مقابله شود و از آنها از هر کدام نسخه ای را یکی از بلاد معتبر اسلام بفرستند تا اهل استفاده نوشته های رشیدالدین را از روی نسخه های مقابله شده و مصحح بخوانند و اقتباس کنند و چون این وزیر با تدبیر قدرت بسیار و ثروت بیشمار داشت

این کار برای او در کمال سهولت انجام پذیر بود و با این وسایل میتوانست بهترین خوش خطان و نقاشان و مذهبیان و صحافان را استخدام کند و بایشان هر چه را در ازای هنر و خدمت خود بخواهند بدهد.

خواجه رشیدالدین در مشرق شهر تبریز آبادی معتبری بنام ربیع رشیدی ساخته بود شامل عماراتی عالی و مدرسه و کتابخانه معتبری که بهترین نقایس عالم در آنجا دیده میشد بضمیمه کنبد و بازگاهی جهت خوابگاه ابدی خویش.



قتل برادر رستم بدست او (از نسخه جامع التواریخ دارالفنون ادینبورگ)

کتابخانه ربیع رشیدی که متأسفانه بعد از قتل خواجه رشیدالدین (هفدهم جمادی الاولی ۷۱۸) بغارت رفت و قسمتی از کتب آن بقتوای معاندین و مخالفین خواجه بتهمت زندقه و الحاد سوخت و قسمت دیگر آن پس از قتل پسر دانشمند با کفایتش خواجه غیاث الدین محمد (یازدهم رمضان ۷۳۶) بضمیمه کتب شخصی این خواجه پراکنده و بسیاری از نقایس آن تلف شد از مهمترین و بهترین کتابخانه های دنیا بود و غیر از کتب نادره بزبانهای مختلف از نسخه های خط استادان خوشنویس و مصور بتصویرهای نقاشان نامی مقدار کثیری را خواجه رشیدالدین در آنجا جمع آورده و وقف کرده بود از جمله نوشته اند که دو هزار قرآن وقف ربیع رشیدی بود چهار صد جلد بخط یاقوت و ششصد جلد بخط اکبر چهار صد و بیست جلد بخط خوب و پانصد و

هشتاد جلد دیگر با شصت هزار جلد کتاب در انواع علوم و تواریخ و اشعار ۱ .
 خواجه رشیدالدین فضل‌الله علاوه بر جامع‌التواریخ تألیفات کثیره دیگر در
 حکمت و تفسیر و جغرافیا و طب و مفردات ادویه داشته بعضی بصورت کتابی بزرگ و
 مبسوط و بعضی دیگر بصورت رساله . عدد مؤلفات او را پنجاه و دو نوشته‌اند ۲ و مؤلف
 تاریخ و صاف مجموع آنرا : « ده جلد هر جلدی دویست من عدل که مجموع آن سه
 هزار ورقه باشد ۳ » معین کرده .

در يك مقدمه عربی که بر قسمتی از تألیفات رشیدالدین بنام «مجموعه رشیدیه»
 الحاق شده و يك نسخه قدیمی از آن بشرحیکه بیاید در پاریس موجود است ۴ فهرستی
 از کلیه تألیفات خواجه هست و از همین مقدمه چنین برمی‌آید که در حیات رشیدالدین
 و بامر او از مجموع تمام آن تألیفات بزبان عربی و فارسی نسخه ای بقطع بسیار بزرگ
 بنام «جامع التصانیف الرشیدی» ترتیب داده و آنرا در ربیع رشیدی در گنبد و بارگاهی
 که خواجه بقصد مدفن خود ساخته بود گذاشته بودند تا کسانی که میخواهند از روی
 آن نسخه بردارند بعلاوه خواجه موقوفاتی مخصوص معین کرده بود که از حاصل آنها
 هر سال يك نسخه کامل بهمان قطع بزرگ از روی نسخه اصل استنساخ کنند و آنرا
 یکی از شهرهای بزرگ ممالک اسلامی بفرستند و متولی آن اوقاف بنا بر وصیت خواجه
 رشیدالدین مکلف بود که تصنیفات خواجه را هر سال باین تفصیل امر باستنساخ دهد:
 از کتاب مجموعه رشیدیه (مشمول بر چهار کتاب توضیحات و مفتاح التفسیر
 و مباحث سلطانیه و لطایف) دو نسخه یکی عربی دیگر فارسی ،

از کتاب جامع‌التواریخ ، عدد مجلدات استنساخ کردنی تا آنجا که اصل کتاب
 بزودی مندرس نشود موکول بنظر متولی و بمصاحف اندیشی اوست ، دو نسخه یکی عربی
 دیگر فارسی ،

۱ - مزارات حشری ص ۶۵ چاپ تبریز

۲ - مزارات حشری ص ۶۴ ۳ - تاریخ و صاف ص ۳۸

۴ - بنشانه 2324 Arabe



جلوس هولاکوخان (از نسخه جامع التواریخ کتابخانه ملی پاریس)

از کتاب بیان الحقایق دو نسخه یکی عربی دیگر فارسی

از کتاب الآثار و الاحیاء دو نسخه یکی عربی دیگر فارسی

درکار استنساخ خواجه رشیدالدین رعایت شرایط ذیل را توصیه میکنند و میگویند

که هر سال باید يك نسخه کامل بر روی کاغذ در غایت خوبی و لطف بقطع بغدادی

بزرگ با خط شیرین صحیح نوشته شود و با نسخه اصلی که در ربع رشیدی است بشکلی مقابله کنند که غلط و تصحیفی در آن نماند بعلاوه باید این نسخ همه بر روش همان نسخه‌های اصلی باشد و جلد آنرا از چرم یا شبیه بآن ترتیب دهند و اجرت کتابت و مخارج مصالح را از نصف مخارج موقوفات ربع رشیدی بپردازند و بر متولی است که استنساخ کنندگان را از میان اجزای فاضلی که بحسن خط و سرعت کتابت ممتاز باشند اختیار کند تا در آخر سال جمیع نسخه‌ها را بانجام برسانند و آنها را بجلد و تذهیب یا کیزه بیارایند و تأخیر و اهمالی در این کار روا ندارند. برای محل سکونت و کار استنساخ کنندگان متولی باید از حجرات ربع رشیدی آنها را که بجهت طایفه ای دیگر یا برای کاری دیگر تعیین نشده در اختیار ایشان بگذارد... ۱۰

مؤلف تاریخ و صاف بتخمین مخارجی را که خواجه رشیدالدین در اجرت نسخ و تحریر و نقش و تصویر و جلد این کتب میکرده شصت هزار دینار رایج مینویسد. بشرحیکه یاد آور شدیم بدبختانه با وجود کمال جهدی که خواجه رشیدالدین در راه تکثیر نسخ تألیفات خود و حفظ آنها بکار میبرده بعلت غارت ربع رشیدی و تفرقه کتب او و پسرش و عوارض دیگر از جامع التصانیف رشیدی در هیچ جای نسخه کامل بجا نمانده بخصوص از نسخه‌هایی که در عصر خود خواجه تهیه میشده فقط از جمله تألیفات متعدد او در بعضی از کتابخانه‌ها اجزائی بدست هست که در عهد خود خواجه رشیدالدین کتابت شده و خوشبختانه از دستبرد زمانه و ابنای جاهل بی اعتنای آن محفوظ مانده است، از آن جمله از بعضی قسمتها تا کنون خبری بدست آمده و یقین است که غیر از این اجزاء باز قسمتهای دیگری در کتابخانه‌های خصوصی یا کتابخانه‌هایی که فهرستی مطبوع ندارند باقیست، ما ذیل فهرستی از این اجزاء باقی مانده را بدون آنکه ادعای استقصائی مخصوص در این باب کرده باشیم برای منظوری که از این بحث داریم بدست میدهم از این قرار:

۱ - اصل عربی این مقدمه را که شرح فوق خلاصه قسمتی از آن است کاترمر بتامها در مقدمه تاریخ هولاکو از اقسام جامع التواریخ از صفحه ۱۴۳ تا ۱۷۵ طبع رسانده است، رجوع کنید بآن کتاب تحت عنوان: 'Quatremère' Histoire des 'Mongols' Paris 1836

طایفه بدخوارین در کوه



و در باره آنکه در زمان ساسانیان در جزیره آبسکون از روی نسخه کتابخانه ملی پاریس

نقش سلطان محمد خوارزمشاه در جزیره آبسکون (از روی نسخه کتابخانه ملی پاریس)

۱- نیمه آخر جامع التواریخ (از جوجی تا آخر غازان) محفوظ در موزه بریتانیا ۱ که اگرچه تاریخ کتابت ندارد و بعضی از اوراق اول و آخر آن بخطی جدید تر است لیکن قسمت اساسی آن بخط محمد بن حمزه معروف برشید خوانی است و این کتاب رشید الدین را «مخدوم جهانیان و آصف عهد» و اولجایتو را «پادشاه وقت سلطان سعید ظل الله تعالی خلد ملکه» میخواند.

بنابراین شکی نمی ماند که این نسخه در حیات خواجه رشیدالدین و در عهد اولجایتو یعنی قبل از شوال ۷۱۶ کتابت شده و رشید خوانی ظاهراً همان کسی است که قدیمترین نسخه جهانگشای جوینی محفوظ در کتابخانه ملی پاریس را که چهارم ذی الحجه ۶۸۹ تاریخ دارد بخط خود نوشته است ۲.

۲- دو قسمت از نسخه عربی جامع التواریخ، يك قسمت که در ۷۰۷ استنساخ شده و شامل تاریخ انبیاء و سلاطین ایران قبل از اسلام و سیره حضرت رسول و خلفا و تاریخ غزویان و سلاجقه و خوارزمشاهیان است و از ابتداء و انتهای آن پاره‌ای اوراق اقتاده در کتابخانه دارالفنون ادین بورک در اسکاتلند است. این نسخه هفتاد تصویر بسیار عالی دارد، قسمت دیگر که کتابت آن در ۷۱۴ بانجام رسیده و در اصل با نسخه ناقص دارالفنون ادین بورک در يك جلد بوده و مشتمل بر صد صورت از همان نوع نقاشی نسخه ادینبورک است تعلق دارد بانجمن همایونی آسیائی انگلیس ۳.

۳- اوراقی از يك نسخه از جامع التواریخ مورخ سال ۷۱۴ متعلق بیکی از از متمولین نیویورک ۴.

-
- ۱- بشانه Add. 16688 رجوع کنید بفرست نسخ فارسی روج ا ص ۷۸ و ادبیات ایران
تالیف استوری Storey ص ۷۳ و ترجمه انگلیسی ترکستان پارتولد ص ۴۸.
- ۲- فهرست نسخ فارسی پاریس تالیف بلوشه ج ۱ ص ۲۷۸ بشانه Supp. Persan 205
و مقدمه تاریخ جهانگشای جوینی طبع آقای قزوینی ص فر.
- ۳- رجوع کنید بفرست نایسنگاه بین المللی صنایع ایران در لندن (سال ۱۹۳۰) تحت شماره
های 537A و 537B و کتاب ادبیات ایران استوری ص ۷۰.
- ۴- فهرست نایسنگاه لندن تحت شماره‌های 214 و 219.

۴- يك نسخه قديمی از جامع التواريخ متعلق بکتابخانه ملی پاریس است که اگرچه تاریخ ندارد ولی از وضع خط و نقاشی تقریباً مسلم شده است که از همان نسخه‌های عهد خواجه رشیدالدین است.

۵- مجموعه رشیدیه (نسخه عربی) که در فاصله سالهای ۷۰۷-۷۱۰ در ربیع رشیدی بخط محمدبن محمد بغدادی زودنویس تحریر شده و در ابتدای آن مقدمه‌ایست عربی در فهرست تألیفات رشیدالدین و ترتیب استنساخ آنها که ما خلاصه آنرا قبلاً نقل کردیم، این نسخه در کتابخانه ملی پاریس است ۲.

۶- نسخه جامع التواريخ طویقاپوسرای در استانبول که کتابت آن در آخر ماه شعبان ۷۱۷ بمقام بغداد بانجام رسیده ۳.

۷- يك نسخه از قسمت اول جامع التواريخ (انبياء و سلاطين قديم ايران و سيره حضرت رسول و خلفا تا آخر بنی عباس) که بعضی اوراق آن ساقط شده متعلق بنگارنده بخط عبدالوهاب بن اخي محمدبن حسن بن اخي محمد بیابانکی که در خامس والعشیرین جمادی الاول سال ۷۱۷ در دارالملک سلطانیه در کاروانسرای «صاحب الاعظم آصف الزمان خواجه رشید الدین فضل الله بن ابی الخیر العالی الهمدانی» یعنی درست یکسال يك هفته کم قبل از قتل خواجه رشید باتمام رسیده است.

خواجه رشیدالدین در تهیه نسخه‌هایی از تألیفات خود چنانکه اشاره شد سعی داشته است که آنها را بخط ماهرترین خطاطان و بندهیب و تصویر استادترین مذهبان و نقاشان عصر بانجام برساند اما اگرچه در این اجزائی که از تألیفات آن وزیر دانشمند و معاصر با عهد او باقیست نام بعضی از کاتبین نسخه‌ها هست لیکن بدبختانه مذهبین و نقاشان این نسخ هیچکدام اسم و امضائی از خود بجا نگذاشته‌اند تا بوسیله آنها بتوان يك عدّه از هنرمندان عهد خواجه را که از بهترین ادوار ترقی صنایع مستظرفه در ایران

۱- نشانه 1113 Supp. Persan فهرست بلوشه ج ۱ ص ۲۰۱-۲۰۲ و مقدمه جلد سوم

جهانگشای جوینی بقلم آقای قزوینی ص کا .

۲- نشانه 2324 Arabe .

۳- کتاب ادبیات استوری ص ۷۳ و مقدمه تاریخ مبارک غازی ص ۱۳ بقلم تاور Tauer .

است شناخت .

تنها در میان اجزائی که در فوق بآنها اشاره کردیم در نسخه مجموعه رشیدیۀ پاریس که وصف آنرا بتفصیل کاترمر در مقدمۀ تاریخ مغول خود آورده اشاره شده است که تذهیب این کتاب کار محمد بغدادی کاتب نسخه و محمد بن العفیف کاشانی است ۱ . عبدالرزاق بن الفوطی مورخ بسیار معروف که خود در خدمت خواجه رشیدالدین و پسرش خواجه غیاث الدین میزیسته در کتاب مجمع الآداب فی معجم الألقاب ۲ از یکی از نقاشان عهد خواجه رشیدالدین که در دستگاه وزیر مزبور کار میکرده نام میبرد : ترجمۀ نوشته او در این باب از این قرار است :

«عفیف الدین ابوالبرکات محمد بن منصور بن محمد بوهویه کاشی نقاش در صنعت نقاشی و تصویر استادی حاذق است و بفارسی نیز شعر میگوید ، من او را در اران در سرایرده سلطانی در سال ۷۰۵ دیدم که بنقاشی در کتاب وزیر حکیم رشید الدین مشغول بود .»

نگارنده شبهه ای ندارم که این عفیف الدین محمد نقاش کاشانی که در سال ۷۰۵ برای یکی از کتب خواجه رشید الدین نقاشی میکرده همان کسی است که در کتاب صنایع ایران نام او بشکل محمد بن العفیف کاشانی برده شده ، ظاهراً در اصل نسخه محمد العفیف کاشانی بوده و کسانی که آنرا خوانده اند در قراءت دقت کافی نکرده اند چه بعید است که دو نفر هر دو تقریباً در یک تاریخ در دستگاه رشیدالدین برای کتب او نقاشی کنند و هر دو محمد و هر دو کاشانی باشند یکی عفیف الدین محمد دیگری محمد بن العفیف ، در قرن هشتم و نهم غالباً برای اختصار از القاب اشخاص کلمه «الدین»

۱- اطلاع نگارنده در این باب فقط از روی اشاره ایست که در کتاب صنایع ایران

Les Arts de l'Iran ص ۱۲۷ (پاریس سال ۱۹۳۸) شده ، و چون این جمله نه در فهرست نسخ عربی پاریس تألیف دسلان De Slane نه در مقدمه کاترمر هست نگارنده باینکه مؤلفین کتاب صنایع ایران درست این جمله را از روی نسخه نقل کرده باشند اطمینان ندارم و دلایل این شبهه در متن مقاله ذکر شده است .

۲- نسخه خط کتابخانه ظاهره دمشق که بخط مؤلف است .

را حذف میکردند و بذکر مضاف آن در دنبال اسم شخص قناعت میورزیدند مثلاً محمد العفیف یعنی عفیف الدین محمد و امثال آن.

چون در اینجا بکتاب معجم الألقاب ابن الفوطی که فقط يك جزء ناقص از آن بدست مانده اشاره شد و نظر باینکه بیشتر غرض ما از نوشتن این مقاله احیای نام و آثار هنرمندان عصر خواجه رشیدالدین فضل الله و ایلخانان معاصر اوست میگوئیم که همین ابن الفوطی در آن جزء از کتاب معجم الألقاب که باقیست از يك تن دیگر از نقاشان



نوح و خاندان او در کشتی (از نسخه جامع التواریخ مجمع هایونی آسمانی لندن)

آن عهد نیز نام میبرد با اسم عزالدین ابوالمظفر حسن بن حسین بن یوسف موصلی (۶۴۲-۷۱۰) که با اینکه عارف بوده توجهی خاص بهنر نقاشی و زرکش دوزی داشته و در تبریز در زاویه‌ای سر میکرده و از مخصوصین بلغان خاتون زن غازان خان محسوب میشده و اشعاری ذوقی نیز میگفته است.

این بود آنچه ما راجع بنقاشان عهد خواجه رشیدالدین و آثاری که از ایشان در تألیفات ابن وزیر بنی نظیر باقی مانده توانستیم بدست بیاوریم و برای آنکه نمونه‌ای از کار ایشان نیز بدست داده باشیم در طی این مقاله تصویر بعضی از آثار قلمی این هنرمندان را با ذکر مآخذ آنها نقل کردیم.